

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ششم اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دارائی
- ۳ - بقیه شور لایحه املاك واگذاری
- ۴ - تقدیم لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت
- ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم پیش از ظهر بریاست آقای بیات نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه سوم اردی بهشت ماه را آقای (طوسی) منشی قرأت نمودند

- | | |
|--|---|
| <p>۱ - تصویب صورت مجلس نایب رئیس - آقای انوار .</p> <p>انوار - در آن پیشنهادی که بنده کردم و توضیحی که آقای مخبر دادند بنده اظهار کردم حالامقصود من حاصل شد پیشنهاد خودم را مسترد میکنم چون نظر بنده این بود که در موقع نبودن مدارك ولو استمشهادهم باشد مورد توجه شود همینطور آقای وزیر داد گستری هم توضیح دادند که مقصود من حاصل شد چون مقصود من حاصل شد استرداد کردم .</p> <p>نایب رئیس - اصلاح میشود . در صورت مجلس نظری نیست . (گفته شدخیر) صورت مجلس تصویب شد .</p> | <p>۳ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دارائی نایب رئیس - آقای وزیر دارائی .</p> <p>وزیر دارائی - چندی قبل لایحه تقدیم شده بود و عدۀ برای کارمندی دیوان محاسبات معرفی شده بود بین آنها هفت نفر انتخاب شده بودند و نسبت به سه نفر دیگر بلا تکلیف بود این بود که شش نفر دیگر معرفی شده است که سه نفر دیگر را از بین آنها انتخاب فرمایند لایحه ایست برای این کار که تقدیم میشود .</p> <p>نایب رئیس - نسبت به انتخاب هفت نفر که آقای وزیر دارائی اظهار فرمودند گویا در يك نفرش اکثریت حاصل</p> |
|--|---|

عین مذاکرات مشروح چهل و هفتمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره تندنویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

فائزین بی اجازه - آقایان : منصف - دکتر طاهری - نواب بزدی - صدر - ناصری - یمن اسفندیاری - شجاع - اکبر - ع. بالایی - جلالی - فاضلی - شیرازی - دکتر ادهم - دبستانی - آصف - تهرانچی - سلطانی - صادق وزیري - گرگانی - دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : توایب - سزازار - موافق - نیکپور - خسرو شاهی - نقابت

نشده و شش نفر انتخاب شده‌اند و باید چهار نفر دیگر انتخاب شوند . . .

وزیر دارائی - بسیار خوب . اسامی دو نفر دیگر را هم بعد تقدیم میکنم .

نایب رئیس - جزء دستور جلسه بعد گذارده میشود که آقایان هم وقت مطالعه داشته باشند .

[۳ - بقیه شور دوم لایحه املاک و اگذاری]
نایب رئیس - ماده سیزدهم لایحه املاک و اگذاری قرائت میشود :

ماده ۱۳ - در صورتیکه نسبت بیک ملک چند نفر شکایت کنند هیئت رسیدگی کرده بدو متصرف قبل از تصرفات اعلی حضرت شاه سابق را تشخیص میدهد و پس از آن گفتگوی او را با دولت بر طبق این قانون قطع و فصل مینماید .

چنانچه پس از صدور حکم بدوی در دعوائی در ظرف مدت مذکور در ماده ۶ شکایت تازه ای نسبت بهمان موضوع بشود اگر موضوع در هیئت تجدید نظر مطرح باشد آن شکایت برای رسیدگی به هیئت تجدید نظر فرستاده میشود و اگر از هیئت تجدید نظر هم حکم صادر شده باشد هر گاه دولت محکوم له باشد موضوع در هیئت بدوی رسیدگی میشود و اگر حکم برفع اشخاص صادر شده باشد شاکی میتواند بطرفیت اشخاص در دادگاههای عمومی اقامه دعوی نماید و در آنجا رسیدگی بعمل آید .

تبصره - تشخیص هیئت رسیدگی راجع بصاحب حق فقط ضمن شکایت از رای الهائی قابل تجدید نظر است .

نایب رئیس - چون مذاکرات راجع بماده ۱۳ کافی شده پیشنهادهائی که راجع بآن ماده رسیده است قرائت میشود :
تبصره زیر را پیشنهاد میکنم بماده ۱۳ .

تبصره - تصرفات در حین جریان این قانون تصرف قانونی شناخته نمیشود و غیر از خرد مالکین که دولت از نظر کشاورزی اجازه داده اشخاصی از این قانون استفاده میکنند که تصرفات در املاک مورد دعوی نکرده باشند (اعتبار) .
نایب رئیس - آقای اعتبار

وقت پیدا کردیم و يك وسیله بدست ما افتاد يك کاری میکنیم و حالا میفرمائید برای این کار من استفاده نکنم ؟ این است که بنده عقیده ندارم حالا نمیدانم آقای وزیر دادگستری عقیده شان چیست بنده که هیچ باین پیشنهاد عقیده ندارم

وزیر دادگستری - پیشنهاد آقای اعتبار نماینده محترم کاملاً صحیح است باین معنی که البته قانون و دولت نباید اجازه بدهند باشخصیکه خود سرانه عملیاتی بکنند و از آن عملیات سوء استفاده کنند و بعد آن اعمال آن ها قانونی شناخته شود ولى مدلول پیشنهاد ایشان در همین قانون هست اگر توجه باصل مطلب بکنند بنده تصور میکنم احتیاج نیست باینکه این تبصره اضافه شود چرا برای اینکه بطوریکه بنده در جلسات عدیده عرض کرده در جلسه گذشته هم تکرار کردم بموجب اسناد مالکیتی که در دست دولت است تا وقتی که این املاک بعد از رسیدگی این هیئتها و بعد از صدور حکمی که از این هیئت ها صادر میشود به صاحبان آن ها برنگردد این املاک متعلق به دولت است و چون متعلق به دولت است هر کس قبل از این رسیدگی ها تصرفی بکند غاصب است و دولت هم وسیله و تمکن دارد که هر ساعت بخواهد این شخص را خارج کند باین جهت احتیاج ندارد که ما يك مجوز تازه برای این کار درست کنیم و به علاوه این پیشنهاد آقای اعتبار يك ضرری هم دارد چون دولت بفرود به حسن به نفعی به نفعی و فلان و فلان که اجازه نداده است که برود آن جا شما خرده مالک هستید بطور کلی گفتیم که این خرده مالکین که رفته اند آن جا و مشغول کشت و زرعشان شده اند متعرض آن ها نشوند به فرض اینکه اینها مالک و صاحبان واقعی هستند و به تصور اینکه دادگاه و این هیئت ها وقتیکه رسیدگی کردند خود اینها را مالک بشناسند . اینها هم باید يك اشخاصی باشند که فکر کنند که اگر مالک واقعی نباشند نباید بروند زیرا وقتى که هیئت رسیدگی کرد و دید اینها صاحبان واقعی نیستند

بنا بر این خودشان هم نخواهند رفت بهر حال دولت بطور کلی اجازه داد که خرده مالکین بروند و مشغول زراعت شوند ولى چون اجازه انفرادی نیست این است که این پیشنهاد يك سوء جریانى تولید نمیکند که بنظر بنده صحیح نیست و مطلب در هیئت هم مورد مطالعه و وقت واقع شد و تصور میکنم بهتر این است که آقای اعتبار پس بگریزد خصوصاً بطوریکه عرض کرده ما وسیله داریم که هر کس بدون حق تصرفاتی کرده باشد او را خارج کنیم حالا يك مجوز تازه هم بخواهیم علاوه کنیم دیگر ازومی ندارد

نایب رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - بنده نظرم همین بود و مقصود این بود که هر ج و مرجی ایجاد نشود . حالا باین ترتیبی که آقای وزیر دادگستری می فرمایند همه هم امراری نداره و مسترد میکنم

نایب رئیس - رأی میکنم بماده ۱۳ آقایان موافقین برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد
ماده ۱۴ قرائت میشود
(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۱۴ - هیئت پس از تکمیل رسیدگی با رعایت مراتب زیر روى خود با اتفاق و یا با کثرت خواهد داد اعم از اینکه مبنی باشد بر استرداد تمام یا قسمتی از موضوع دعوی یا دادن ملک دیگری از املاک و اگذاری که مناسب با میزان دعوی باشد یا وجه نقد و یا حکم به بیحقی شاکی .
الف - در صورتیکه مالکی بدون عنوان معامله غصباً تصرف شده باشد چنانچه تغییر مهمی از حیث بنا و غیر آن در آن حاصل نشده باشد حکم بر دعین ملک داده خواهد شد و هر گاه ساختمانی مهم یا تغییرات اساسی دیگری در ملک شده باشد حکم برد بهای کنونی ملک مزبور (مطابق وضعیت روز تصرف) صادر میشود .

در این موارد هیئت رسیدگی اختیار دارد علاوه بر دعین ملک با توجه بمدت تصرف و مقدار ملک و اوضاع و احوال

کار مبلغی که از سی هزار ریال تجاوز نماید برفع صاحب ملک حکم صادر کند .

ب - در صورتی که بهای پرداختی بفروشنده ملک خریداری شده بیش از سی هزار ریال نباشد صرف نظر از دعوی غبن و غیره ملک عیناً بدون مطالبه بهای پرداختی به فروشنده یا کسی که متصرف حین انتقال تشخیص گردد میشود مشروط بر اینکه ساختمان مهم یا تغییرات اساسی در آن داده نشده باشد که در اینصورت تفاوت بهای حقیقی ملک مطابق وضعیت روز انتقال پرداخته خواهد شد چنانکه یک نفر معاملات متعددی نموده باشد میزان سی هزار ریال در صورتی مناط عمل میباشد که مجموع قیمت‌های پرداخت شده با از سی هزار ریال تجاوز نماید .

ج - چنانچه بهای معامله ملک مورد شکایت بیش از سی هزار ریال باشد و تفاوت مبلغ خریداری با بهای حقیقی تاریخ معامله از یک پنجم کمتر نباشد و در ملک هم احداث ساختمان مهم و یا تغییرات اساسی دیگری داده شده باشد حکم برد تفاوت بهای ملک مطابق وضعیت روز انتقال صادر خواهد شد و ملک به ملکیت دولت باقی خواهد ماند و اگر تغییر اساسی و ساختمان مهمی در ملک نشده باشد در صورت احراز تفاوت مذکور در بالا بنا بر تقاضای شاکی ملک پس از دریافت بهای پرداخت شده مسترد میگردد و یا حکم به پرداخت تفاوت بها داده میشود .

د - در تمام موارد مذکور هر گاه در قسمتی از ملک ساختمان مهم یا تغییرات اساسی شده و بقیه ملک بحال اصلی بدون تغییر اساسی باقی مانده باشد و برای استفاده از قسمت اول هم مورد احتیاج نباشد قسمتی که در آن ساختمان مهم یا تغییر اساسی شده و یا برای استفاده این قسمت لازم باشد به ملکیت دولت باقی خواهد ماند و قیمت حقیقی آن مطابق وضعیت روز تصرف کسی که در آن تاریخ متصرف بوده پرداخت خواهد شد و بقیه ملک هم عیناً باو مسترد میشود مگر اینکه ملک قابل تجزیه باشد که در اینصورت قیمت با تفاوت قیمت تمام ملک پرداخته خواهد شد .

ه - اگر در عوض ملک مورد شکایت ملک دیگری بشاکی داده شده باشد در صورت موافقت دولت از نظر مصالح عمومی کشور و همچنین در صورت عدم احداث ساختمان مهم یا تغییرات اساسی در عوض یا معوض ملک بشاکی مسترد میشود و عوض آن بدوات بر میگردد و اگر دولت موافقت نداشته باشد و تفاوت قیمتی در بین باشد حکم برد تفاوت قیمت مطابق وضعیت روز معاوضه داده خواهد شد .

و - حقوقیکه رعایا نسبت باعیان و غیره از سابق در این املاک داشته اند بحال خود محفوظ خواهد بود و رد این املاک بمتصرف آن خللی بحقوق رعایا وارد نمیسازد .

تبصره ۱ - ساختمانهای روستائی از ساختمان های مهم محسوب نمیشود .

تبصره ۲ - در مواردیکه مأمورین اعلیحضرت پادشاه سابق املاکی را بنام خود انتقال گرفته و بعداً پادشاه سابق انتقال داده باشند متصرفین قبل از انتقال بمأمورین مزبور میتوانند بر طبق این قانون اقامه دعوی نمایند - انتقال دهندگان مزبور در حدود این قانون متصرفین قبل از تصرف پادشاه سابق شناخته خواهند شد .

نایب رئیس - آقای اعتبار .

اعتبار - اشکال بنده در ماده ۱۴ در قسمت (ب) است بطوریکه عرض کردم بنده با رایگان دادن یک قسمت از این املاک هیچ دلیل و منطقی نمی بینم بنده موافق هستم که هر گونه تسهیل و هر گونه کمک مجلس و دولت با صاحبان املاک بکنند که این املاک بصاحبان آنها برسد ولی در پرداخت پول باشکال بر میخورند بنده همانطور که در کلیات لایحه عرض کردم هیچ منطقی و دلیلی نیست که ما بگوئیم تا سه هزار تومان معاملات را ما می بخشیم و همینطور که که باز در کلیات عرض کردم موضوع سه هزار تومان نیست موضوع اینست که معاملات در این املاک بدستهای مختلف و سهام زیادی معامله شده و نسبت بهریک از این سهام ما سه هزار تومان بخواهیم قلم بگیریم در نتیجه یک قلم درشتی میشود که بنده معتقد نیستم و یک پیشنهادی هم تقدیم کرده ام

که املاک را بصاحبانش برگردانیم مطابق اینقانون و پول را هم که گرفته اند این پول را در ظرف ده سال بخزانه ملت برگردانند و اینمعمل بنظر بنده بصرفه مالک هم خواهد بود که این عایدات سالیانه را که بر میدارند یک قسمتش را برای ابتکار بپردازند و پول را که گرفته اند پس بدهند و مجلس هم تبعیض قائل نشده و نسبت به همه هم اعم از کوچک و بزرگ یک روبه عمل شده باشد و همینطور که عرض شد اینجا تصویب سه هزار تومان برای یک دسته نسبت بدسته دیگر ظلم است و ارفاق نیست بعقیده بنده و از اینجهت حجتی چون نظر ارفاقی است اگر موافقت بفرمایند بند (ب) را حذف کنیم و اجازه بدهیم که بر طبق قانون خالصجات این پول را دولت با قسطنطنیه بگیرد که این جریان نسبت به عموم عمل شود و تبعیض قائل نشده باشیم .

همزه تاش - بنده مخالفم .

نایب رئیس - نسبت بماده مخالفید یا موافق ؟

همزه تاش - با ماده موافقم نسبت به پیشنهاد آقای اعتبار مخالفم .

نایب رئیس - بفرمائید :

همزه تاش - بنظر بنده آقای اعتبار الدوله یک اشتباهی فرموده اند در بند الف اینجا در بند الف مینویسد در صورتی که ملکی د کتر بمعی - راجع به بند (ب) مخالف بودند .

اعتبار - بند (ب) را عرض کردم

همزه تاش - بهر حال اگر این اعتراض در بند الف شده باشد که اصلاً پولی نداده اند آقاو ملک غصباً تصرف شده و اگر در بند (ب) میفرمائید آنها نسبت به فقرائی است که ملکشان را بنمن بخش از شان گرفته اند این بند (ب) برای ارفاق نسبت باین اشخاص است و البته این تبعیض هم اشکالی ندارد چون اغلب ملکهای که گرفته شده متعلق به یک مردمان بی بضاعتی است که با این مبلغ یک ارفاقی درباره اینها میشود و خیلی بمورد هم هست برای اینکه اینها چندین سال است که از عایدات ملکشان استفاده نکرده اند

و عمل ملک آنها را برده اند حالا یک عده زیادی از آقایان پیشنهاد فرموده بودند که پنجهزار تومان باشد و بنده تقاضا میکنم آقای اعتبار هم موافقت بفرمایند که این ارفاق درباره اینها بشود و راجع به بند الف هم بنده یک پیشنهادی کرده ام وقتی که آقای طوسی قرائت فرمودند توضیحات لازم خواهم داد .

نایب رئیس - آقای ملک مدنی مخالفید ؟ بفرمائید :

ملک مدنی - بنده در کمیسیون هم نظریات خودم را در این قسمتی که حالا عرض میکنم عرض کردم و حالا هم عرض مجلس مرسام و قضاوت آن با آقایان نمایندگان است زیرا هر یک از آقایان نظریاتی دارند البته باید در اینجا اظهار عقیده کنند بنده در قسمت ماده ۱۴ که بعقیده بنده اساس این لایحه است در آغاز قسمتهایش موافقم ولی در این قسمت که گفته میشود که اگر در ملکی یک تصرفاتی شده است و از تقاضای تصرفات یک تغییرات مهمی شده است به ملکیت دولت باقی میماند در اینقسمت بنده مخالف هستم بنده اعتقاد شخصییم این است که املاکی که در آنها بناهایی شده است و یک ساختمانهایی شده است و یک مؤسسات مهمی در آنها ایجاد شده است آنها را باید مستثنی کرد و باید مال دولتی و مات باشد ولی در املاکی که تغییراتی داده شده و مثلاً یک خانههایی ساخته شده است (اگر چه خانه های دهقانی را جزا کرده اند) ولی یک تغییرات مهم و اساسی در آنها نشده آنها را باید رد کرد زیرا بمجرد اینکه در یک ملک یک بنائیه ساخته شده سایر ملک را نباید بصاحبانش نداد و آنها را محروم کرد اینرا بنده عقیده ندارم و عقیده ام این است که این قسمت را اصلاح کنند و در این قسمت بنده یک پیشنهادی هم تقدیم میکنم حالا اگر آقای وزیر عدلیه هم قبول بفرمایند نظر بنده هم تأمین خواهد شد .

نایب رئیس - آقای ابوار

ابوار - بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای طهرانچی

ظاهر انجلی - بنده هم در يك قسمت مخالفم .
نایب رئیس - آقای بهبهانی
بهبهانی - بنده هم مخالفم
نایب رئیس - آقای اعتبار هم که مخالفند . آقای طالش
طالش - بنده هم مخالفم .
نایب رئیس - آقای افشار موافقید یا مخالف ؟
افشار - بنده يك سوالی داشتم .
نایب رئیس - عرض کردم موافقید یا مخالف .
افشار - بنده يك سوالی داشتم . موافقم . عرض کنم که البته تصدیق میفرمائید که نسبت به قسمت عمده این املاک قیمت حقیقی داده نشده و اگر هم داده شده مطابق با عایدات واقعی و حقیقی خود ملک بوده و لهذا مالکین هم این مختصر پولی که بدستشان رسیده خرج کرده اند و حالا هم این ها خیال نمیکنم که دیگر بنیه خرید داشته باشند و بنظر بنده بایستی در يك ماده پیش بینی بشود که لا اقل اینها بتوانند بتدریج قیمت این املاک را بپردازند و اگر اینطور نباشد در عمل خرده مالکین دچار محظور میشوند بنده از این حیث خواستم از جناب آقای وزیر دادگستری استدعا کنم که يك توجهی بفرمایند و يك راه حلی برای این کار منظور شود که در موقع خرید نه مالکین و نه دولت دچار اشکال بشوند .
نایب رئیس - ولی آقای افشار شما موافق نبودید . آقای انوار .
انوار - نظر مخالفت بنده در این ماده اول این بود که خیلی میل داشتم یعنی تقاضایم این بود و شاید هم قبول بفرمائید این ماده دارای چند جزء است و نسبت به هر جزئی جدا گانه صحبت شود زیرا ماده دارای پنج جزء است و هر جزء موضوعی علیحده دارد البته میتوانستم تقاضا کنم که چون شور ثانی هم هست طبق ماده ۹۹ تجزیه شود که در جزء اول صحبت شود بعد وارد جزء دوم شویم بعد سوم الی آخر حالا اگر این است این مسئله را تقاضا میکنم یا اینکه خود مقام ریاست قبول میکنند بنده پیشنهاد میکنم که حالا جزء اول مطرح شود اگر قبول بفرمایند بسیار خوب است

شده است که در صورت احراز تفاوت مذکور در بالا بنا بر تقاضای شاکی ملک پس از دریافت بهای پرداخت شده مسترد می گردد و بد حکم پرداخت تفاوت بها داده میشود این جا این تخیر اختیاری است که قرار داده شده یعنی تخیر نسبت بشاکی است باقاضی یعنی قاضی مختار است با شاکی (مختیر - شاکی) خیلی خوب پس باید این را توضیح بدهید که در مقام قضاوت معلوم باشد تخیر نسبت بشاکی است شاکی میل دارد استمرار پولش را بخواهد یا ملکش را . این را توضیح بدهند این يك موضوع موضوع دیگر در تبصره دوم این ماده يك موضوعی است که در کمیسیون صحبتش شده بعد بنده اطلاع پیدا کرده و مثال میزنم در طالش دولاب رشت يك املاکی را نظمیة ضبط کرده نه بعنوان شخص ها نظمیة ضبط کرده آنوقت و (خننده نمایندگان) بعد از آن شاه سابق از نظمیة خریده است این چطور میشود ؟ این جا هیچ صحبتش نشده است این هم مسلم است که جزء سایرین واقع میشود در اینجا يك موضوعی است که مأمورین شاه سابق که آمده اند و يك ملکی را از يك نفر تصرف کردند و بعد آمدند بشاه سابق فروختند و شاه سابق يك پولی را داده بمأمورین این جا الان بعد از آنکه در محکمه معلوم شد که دولت بر می گرداند باین متصرف اول این پول را آن برده است اگر آن پول را آن مأمور باین بدبخت مالك اصلی نداده یعنی آن مأموری که در این بین تصرف کرده در اول تصرف کرده مال مرا و بعد بشاه سابق داده و پول آنرا از شاه سابق گرفته و بمالك اصلی نداده این مأمور وسط را که پول را باین بدبخت نداده چه کارش میکنند و این چطور میشود چون در اینجا عبارت این معنی را نمیرساند و نضات تکلیفشان چیست آن مأمور وسط را جلب می کنند پول را از او میگیرند یا اینکه باز بر می گردانند باو اگر پول پیش مأمور مانده و نداده دومرتبه میگیرند و ملک را میدهند بمتصرف اصلی ؟ آن پولی را که شاه سابق داده بود که بمالك بدهند و مأمور وسط نداده حالا هم بگویند مأمور بود و معذور و قدرت داشته است . در هر حال این جا هم يك قضاوت عادلانه باید بشود که آن مأمور وسط

هم که پول را گرفته باشد و بآن بدبخت نداده باشد دو مرتبه کردن این بدبخت مالك اصلی نیست و در هر صورت پس مأمور وسط هم در بین باشد نه اینکه يك پولی را که این مأمور خورده باشد حالا هم بیفتد بجان آن بدبخت اولی این را باید بمالكش بر گرداند یا پول او را بدهند این هم يك توضیحی است که خواستم .
وزیر دادگستری - این ماده ۱۴ را در واقع میشود مهمترین مواد این قانون دانست و البته حقا هم بایستی مورد نظر و دقت آقایان نمایندگان محترم بشود و بقدر وافی هم مورد توجه آقایان واقع شده است هم در شور اول و هم در کمیسیون و هم در خارج از کمیسیون حالا هم البته ممکن است نظرهائی باشد که اظهار می فرمایند و آنچه که باقانون و عرض کنم که منظور این لایحه و وفق مصلحت باشد البته همانطور اجرا میشود ولی بنده می خواستم عرض کنم که بعضی مطالب ممکن است تکرار شود در صورتیکه مطالبی است که قبلا جواب آنها داده شده و البته تکرار آن مطالب موجب اتلاف وقت است و بهتر است که بنظر بنده سعی کنیم که اگر نظر تازه ایست و مطلب تازه ایست گفته شود و وقت صرف آن شود که زودتر این لایحه بگذرد و این قانون انشاء الله زودتر اجرا شود نسبت بمالک شخصی که فرمودند در این ماده ۱۴ این قانون سی هزار ریالی که ممین شده است در واقع این از برای این است که بطوریکه سابق هم بنده عرض کردم توضیح دادم در کمیسیون هم کاملا مطالب خلاصی شد برای این بود که ممکن است ملک چندین سال از تصرف صاحب ملک بیرون آمده باشد و چیزی عاید او نشده باشد و حالا هم دچار فقر و بیچارگی باشد آقایان نمایندگان هم پیشنهاد کردند دولت هم قبول کرد که این مبلغ بطور کلی داده شود دیگر ما وارد جزئیات مطلب از جهات دیگر نشدیم چون موضوع تشخیص منافع البته کار مشکلی بود خیلی مشکل بود و اگر بنا بود وارد این جزئیات می شدیم این کار باید سالهای متمادی طول بکشید تا این که بشود ممین کرد و با حصول ملک اینقدر بوده است یا نبوده است این است که اختیار داده شد باین هیئت ها

که رسیدگی کنند و دقت کنند و تا این میزان اختیار داشته باشند و بتوانند بفرخور ملکی که غصب شده است تا این میزان بپردازند بصاحب این ملک. اما این که گفته شد این مبلغ سی هزار ریالی که در بند ب ذکر شده است یعنی از بابت مسترد کردن تا حدود سی هزار ریال بصاحبان آنها در واقع حد نصابی که قرار داده شده است این طوری باشد که علی السویه باشد و نسبت بهم باشد بنده این را باینکه سابقاً هم عرض کرده بودم و در کمیسیون هم گفته شد باز باید تکرار کنم این جا منظور دولت و نظر خود آقایان نمایندگان هم این بود که کمکی بمالکین جزء بشود از این جهت تصور میکنم رعایت تساوی و عدالت شده است یعنی تا این حد سی هزار ریال بهمه البته داده میشود اما زیاد از این راننده تصور میکنم که منطبق قوی نداشته باشد مثلاً املاکی که تا پانصد هزار ریال قیمت دارد آن را هم ما باینکه صرف نظر کنیم از این منطلق و دلیل ندارد پولی است گرفته است و باید مسترد کند ولی تا سی هزار ریال چون مال اشخاص بی بضاعت است و چند سال هم ملک در دستش نبوده است گفتیم يك كمكی باو بشود که بعد از چند سال بتواند اسباب آبادی و عمران ملک خودش را فراهم کند باینجهت بنا بر پیشنهاد آقایان نمایندگان ما بیست هزار ریال پیشنهاد کردیم و آقایان نمایندگان سی هزار ریال و بعد تعدیل شد بهمین میزان سی هزار ریال نه آن بیست هزار ریال ما نه این پنجاه هزار ریالی که آقا فرمودند باشد نه این يك هزار ریال نه این پنجاه هزار ریال و این سی هزار ریال عادلانه است و زائد بر این تصور می کنم جا ندارد که بیاییم و پنجاه هزار ریال معین کنیم یا بگوئیم ملک پنجاه هزار تومانی یا سی هزار تومانی یا بیست هزار تومانی را پس بدهیم و پولش را هم بگیریم و اما راجع به مهلت که گفته شد اینجا ما در این قانون يك تبصره داریم تبصره يك ماده ۱۵ که میشود در مواردیکه هیئت رسیدگی رأی برد ملک و دریافت بهای پرداخته شده صادر مینماید در صورت تقاضای شاکی قراری برای پرداخت بهاء با قساطی که زائد بر پنج سال نباشد

خواهد داد و عین ملک وثیقه پرداخت تمام اقساط خواهد بود پس از این جهت هم رعایت آنها شده است. اما موضوعی را که راجع به بند ج و آخر ماده اظهار کردند و پرسیدند این اختیار برای قاضی است یا برای شاکی؟ این در واقع برای هر دو شان است برای اینکه باو اختیار میدهند که تقاضی بکنند و باو هم اختیار میدهند که حکم بدهد و در واقع برای هر دو است و هر دو اختیار دارند. اما راجع به تبصره ۲ و موضوعی که آقای انوار ذکر فرمودند راجع به ملکی که نظمیہ رشت خریدار است فرق نمی کند نظمیہ رشت با هر کس دیگر خریدار است اگر این ملک جزء املاک واگذاری است مشمول این قانون است و تمام احکامی که راجع بتمام این املاک باشد بآنها هم تعلق میگیرد پس از این حیث هم اهمیت ندارد که کسی خریدار باشد اما آن قسمتی که فرمودند در آخر در واقع دستور قضائی بود به هیئت رسیدگی دادند البته بنده تصور میکنم که هیئت رسیدگی باید حتی المقدور سعی کند که این مطالبی را که اظهار شده است در نظر بگیرد چون مبنای این قانون بر احقاق حق است و باید هم احقاق حق بکنند و دقت هم بکنند البته اگر مأمورین هم در این موضوع سوء استفاده کرده باشند و عملی کرده باشند که برخلاف قانون باشد البته آنها هم جدا گانه تحت تعقیب در می آیند در هر حال نکاتی که برای تأمین منظور آقایان محترم بوده است در قانون ذکر شده و تکرار آن تحصیل حاصل است.

نایب رئیس - آقای دکتر سمیعی.

دکتر سمیعی - بنده نسبت باین ماده ۱۴ در بعضی از قسمتهایش موافق هستم و با بعضی قسمتهایش مخالف. در بند الف آن که مربوط است باملاکی که غصباً تصرف شده اجازه داده شده است که علاوه بر رد عین ملک مبلغ سی هزار ریال بعنوان اجرة المثل با در نظر گرفتن وضعیت ملک مطابق وضعیت روز تصرف بملک حکم صادر کنند این قسمت برای املاکی که در آمد آنها کم باشد اهمیت ندارد ولی نسبت باملاکی که در آمد سالانه آن چندین برابر این مبلغی است که معین شده فایده و اثری ندارد برای مثال

عرض میکنم که آقای امینی که معروف خدمت غالب آقایان نمایندگان محترم است املاکی در لنگرود داشته که در آمد آن سالانه در حدود ده هزار تومان بود و این املاک تماماً بتصرف مأمورین املاک در آمد غصباً بدون اینکه دیناری بایشان داده شود و بطوریکه بنده شنیده ام مطابق قبوضی هم که از مأمورین در دست دارد متجاوز از پنجاه هزار تومان در آمد املاک او را مأمورین در این چند ساله گرفته اند و این قانون معین کرده است که تا سی هزار ریال داده شود این يك ظلم فاحشی است بنده عرض میکنم راجع باملاک غصب شده باید ملایم عمل تمام در آمد باشد یعنی در آمد سال اول را با توجه بمدت تصرف منظور و محسوب نموده آنچه هست داده شود بصاحبش (صحیح است) و اما اینکه آقای وزیر دادگستری فرمودند که این خیلی کار مشکلی است تعیین این مبلغ - این برای ما مشکل است و ممکن است اشکال داشته باشد ولی عرض میکنم راهش خیلی آسان است بهترین دفاتری که در دست است همان دفاتر املاک است و کلیه جوهری که از این املاک متصرفی گرفته شده است در آن دفاتر ثبت است و تصور میکنم کلیه مالکین هم معتقد باشد بآن دفاتر و آنچه که در آنجا ثبت شده همان را املاک قرار بدهند و حق مرده را محسوب کنند و پس بدهند اما اشکال دیگری که بنظر بنده رسیده تصور میکنم اصلاً مبلغ پولی که در دست دولت هست بعنوان و اسم عطیہ ملوکانه که بعضی قسمتها داده می شود اگر حق این اشخاص و صاحبان این املاک مقصوبه را از همان محل بدهند خیلی بهتر است (صحیح است). در بند ب هم عرض میکنم این سی هزار ریالی که اجازه داده شده است در صورتی که بهای پرداختی بیش از سی هزار ریال نباشد ملک عیناً بدون مطالبه بهای پرداختی بفرشونده یا کسیکه متصرف بوده رد میشود و در آخرش هم نوشته شده که در صورتیکه يك نفر معاملات متعددی نموده باشد میزان سی هزار ریال در صورتی مناط عمل می باشد که مجموع قیمت های پرداخت شده باو از سی هزار ریال تجاوز ننماید. بنده عرض میکنم ممکن است يك نفر معامله کرده باشد از طرف يك عده از

ورثه و در حدود مثلاً ده هزار تومان گرفته باشد ولسی ده هزار تومان اختصاص بخودش نداشته مال عده از ورثه بوده است که چون و کالت داشته است آمده است و این معامله را انجام داده بنده معتقدم نسبت باین قسمت هم آقای وزیر عدلیه توجهی بفرمایند که این سی هزار ریالی که نوشته شده است در این مورد باید تقسیم شود مجموع آنچه که گرفته شده است بو کالت بین کلیه ورثه (صحیح است)

سخنبر - عرض کنم که ماده ۱۴ خودش ۱۴ ماده است و متضمن مطالب مختلفی است و در مدت سه جلسه در کمیسیون دادگستری بحث شد و نظر های خیلی مفصل طولانی درش شد و پیشنهادهائی که رسیده بود از ناحیه آقایان نمایندگان خیلی مفصل بود تمام چاپ شده بود و دانه دانه قرائت شد حتی چندین مرتبه هم آقای وزیر دادگستری به عنوان اینکه با هیئت دولت هم در این خصوص مذاکره کنند جلسه را تجدید کردند و چندین نظر هم در کمیسیون اظهار شد که بنده به عرض آقایان میرسانم که معلوم باشد کمیسیون بر روی چه اساسی و روی چه منطقی بر روی این لایحه موافقت کرده است.

در قسمت فرمایشات آقای دکتر سمیعی راجع به بند الف که چرمانافع املاکی که نسبتاً در آمد بیشتری داشته اند محدود شده است تا سی هزار ریال این بحث در کمیسیون هم شد که اصولاً غرامت و پرداخت اجور بگردن کیست البته بگردن غاصب. هر کسیکه ملکی را غصب کرده ضامن است تمام منافع مستوفاة و غیر مستوفاة این ملک را بدهد حتی ضامن تلف هم هست در حدود قانون ولی دولت فعلی ما که غاصب این املاک نیست این فعلاً منتقل شده است به دولت با قید اینکه به شکایات هم رسیدگی شده باشد هر کس حق دارد بهش بدهند اما کسیکه غصب کرده است و کسیکه ضامن دارد دولت نیست بنا برین اگر ما بگوئیم که دولت فعلی بخواهد تمام آن منافع و ضمانت ها را رعایت بکنند این برخلاف قوانین است مع الوصف برای اینکه بر قضیه بی منطبق نباشد و تا حدی نسبت باشخاص خرده مالک و اشخاصی که

ضعیف هستند مساعدت شده باشد این نظر را دولت موافقت کرد کمیسیون هم موافقت کرد که تا سی هزار ریال نظریه اوضاع و احوال و مقدار تصرف و زمان تصرف دعوی اصلاح شود بطوری که خاطر آقایان محترم مستحضر است اول در لایحه که آمد این حرف هم نبود صحبت منافع نبود و بنده خودم جزو مخالفین بودم و گفتم که چرا منافع را ندهند به مردم لا اقل حق بدهند که محکمه صلح بکند با مردم لذا این حرف آن جا پیش بینمی شد و حق داده شد دعوی منافع را تا يك مقدار با اصلاح خاتمه بدهد این هم صور مختلفه دارد بعضی که ... مثلاً مال يك کسی را ده سال پیش تصرف کرده اند یکی را ۱۵ سال پیش یکی را پنج سال پیش و یکی زیاده تر عایدی داشت یکی کمتر عایدی داشت صور مختلفی پیدا میکنند این است که به محکمه حق داده شد که با این مراتب نظر با اوضاع و احوال دعوی خسارات را حل بکند که هم چیزی داده شده باشد و هم عنوان منصفان هم سقط نشده باشد راجع به بند ب که فرمودند این سی هزار ریالی که ما قید کردیم ممکن است قترانه یا شرکالی در بین باشند که این معامله را کرده باشند این مطلب این جور حل شد و عبارت اینطور اصلاح شد: در صورتیکه بهای پرداختی بفروشنده ملك در کلمه فروشنده دقت نمائید که این فروشنده يك نفر است یا ده نفر است منتهی يك نفر و کلاً از طرف ده نفر فروخته یا بعنوان شرکت فروخته یا بعنوان میراث فروخته بهر صورت باید دید مالک ملك کیست و فروشنده کیست آن پول سی هزار ریال بهر يك از فروشندگان توجه پیدا میکنند این توضیحی است که در کمیسیون داده شد و این کلمه بفروشنده اضافه شد در ماده. ابتدا در متن لایحه بهای پرداختی ملك بود و این جا قید شد بهای پرداختی بفروشنده که دیگر اشکالی از این حیث فراهم نشود البته اگر ملکی مال ورثه بوده و يك نفر از قبیل آنها فروشنده بوده و فروخته هر يك از ورثه فروشنده محسوب هستند و استفاده میکنند ولی اگر يك مورثی فروخته و حالا ورثه دارد دیگر این موضوع با آنها صدق پیدا میکند برای اینکه فروشنده

نایب رئیس - آقای نهر انچی

تهر انچی - بنده در قسمت ج این ماده عرایضی دارم که اگر آقای وزیر داد گستری و آقای مخبر توجه بفرمایند عرض کنم عرض میکنم که در قسمت ه این ماده نوشته شده راجع بملك هائی که در مقابل عوض بهش داده شده است این جا طوری نوشته شده است مثل اینکه به دولت حق می دهد که اگر بخواهد نسبت به اشخاصی که ملك در عوض ملك شان داده شده است اختیار داشته باشد تعویض نکند برای اینکه در این جا می نویسد اگر در مورد ملك در عوض و یا معوض ملك شاکی تغییرات اساسی داده نشده باشد اگر در معوض هم تغییراتی داده نشده باشد آن وقت ملك بر میگردد بعد در آخر مینویسد و اگر دولت موافقت نداشته باشد و تفاوت قیمتی در بین باشد حکم به رد تفاوت قیمت مطابق وضعیت روز معاوضه داده خواهد شد این معنایش این است که دولت هم حق داشته باشد که اگر ملکیرا عوض یا معوض کرده بخواهد استرداد کند حق می دهد بدولت که مسترد نکند در صورتی که تصور می کنم مقصود همچو نباشد و بلکه مقصود این باشد که اگر باشند يك شاکیائی که در معوض ساختمانی کرده باشد و آن اشخاص خودشان هم آمده باشند و شکایت کنند و ملك اولی را بخواهند بگیرند و اگر در معوض هم تغییراتی شده است چرا نباید پس بگیرد؟ چون او خودش راضی است معوض چیزی است که در دست او بوده و او در آنجا ساختمان کرده با این وصف راضی است پس بدهد و ملك اولی را پس بگیرد پس در قسمت معوض نباید این قسمت ذکر شود یکی هم راجع به توضیحی بود که آقای مخبر فرمودند در قسمت فروشنده یعنی سی هزار ریال که اگر فروشنده ها متعدد شدند بهر يك سی هزار ریال یعنی سه هزار تومان ارفاق میشود بنده میدانم این چه تبعیضی است که کمیسیون کرده است برای چه کمیسیون چنین تبعیضی کرده است؟ اگر بنام فروشنده متعدد شد چه فرقی میکند بین این که بکنفر يك ملکی را فروخته است با این که چهار نفر

پنج نفر اگر پنج نفر فروخته باشند پنج سه هزار تومان یا زده هزار تومان بهشان بر میگرداند ولی اگر من یا زده هزار تومان فروخته ام دیگر حقی ندارم این تبعیض برای چیست اگر میگفتیم که قیمت ملك چنانچه تا سه هزار تومان باشد محاقی و بلاعوض بر میگردد و بنده هم موافق بودم و اشکالی نداشت برای اینکه برای همه یکسان بود ولی وقتی که میگویم که اگر فروشندگان يك تملکی متعدد بودند آنوقت نسبت بهر يك سه هزار تومان حساب میشود بنظر بنده کار خوبی نبوده است که کمیسیون در این شور نانی کرده است و واقعاً اگر بنا بر این است چه گناهی کرده است آن بکنفر که آمده است ملکی را فروخته و چند نفر کسه بهمان قیمت ملك دیگری را فروخته اند؛ این چیز غریبی است مجلس شورای ملی برای چه يك همچو تبعیضی کرده است بیخود و بی جهت؟ (بکنفر از نمایندگان تبعیضی نشده است برای همه مساوی است) آقا تبعیض است ملاحظه بفرمائید يك ملکی را اگر بنده یا زده هزار تومان فروختم بر نمیگردد چون از سی هزار ریال بیشتر است ولی اگر همان ملك را بهمین قیمت بنده و حضرات عالی و آقا و دو نفر دیگر پنج نفر فروخته باشیم بر میگردد بچه مناسبت آقا؟ این تبعیض است آقا. سیاهکل را بطور مثال عرض میکنم اگر ما پنج نفر فروخته باشیم بر میگردد و حساب میکنیم ولی اگر فروشنده آن بکنفر باشد حساب نمی کنیم واقعاً این کار غلطی است بشف دولت هم نیست و تصور میکنم اینجا يك نظر خاصی در کار باشد چه عرض کنم بنظر بنده هیچ مورد ندارد که این تبعیض را مجلس بکند مگر اینکه يك اشخاصی را بخواهند شامل بکنند. عرض دیگر بنده که ممکن است عرض بنده در این ماده مورد نداشته باشد ولی چون در این لایحه نیست خواستم عرض کنم و آن راجع به ماده الحاقیه بود که جمعی پیشنهاد کردند و راجع به معاملاتی است که بعد از شهریور اگر نقل و انتقالی شده باشد ساقط باشد و مجلس شورای ملی هم خیلی اظهار رغبت کرد در این کار ولی متأسفانه بنده

نمیدانم با اینکه این پیشنهاد در شور اول مورد توجه واقع شد ولی در کمیسیون چه شده است که آنرا اصلاً مورد توجه قرار نداده اند و این خوش آیند نیست برای مجلس شورای ملی که از يك پیشنهادی حسن استقبال بکنند آنگاه وقت ورود در کمیسیون و رد کنند و این ترتیب و عمل کمیسیون خوب نیست بنده استدعا میکنم توضیح بفرمایند علت ردش چه بوده است و چرا قبول نکرده اند با اینکه پیشنهاد خوبی هم بوده است برای اینکه در خارج يك انتشاراتی داشت که يك اشخاصی در خارج يك معاملاتی کرده اند این را خوب بود قبول میکردند که اصلاً این نهمت ها مورد پیدا نکند.

الوار - بنده اخطار دارم. آقای نهر انچی با اینکه بنده ارادت بهشان دارم نسبت به کمیسیون بی مرحمتی کردند چه نظر خصوصی داشتیم آقای؟

نایب رئیس - اینکه اخطار بود در اخطار باید يك ماده نظامنامه را بفرمائید که برخلاف آن رفتار شده باشد وزیر دادگستری - عرض کنم راجع به عوض و معوض که آقای نهر انچی تذکر دادند استعجاب فرمودند که چرا در معوض هم تغییرات مهم نوشته شده در کمیسیون هم این موضوع مطالعه شد و منطبق هم دارد برای اینکه تغییرات مهم ممکن است هم مثبت باشد هم منفی هم ممکن است يك ساختمان خوبی باشد هم ممکن است که خرابی شده باشد اگر چنانچه در معوض خرابی شده باشد که مورد قبول نباشد این را که نمیشود حقی برایش قائل شد. اما راجع به سی هزار ریالی که فرمودند بنده که استنباط کردم و همپو تصوریرا هم نمیتوانم که خدای انخواستم نظر خاصی از طرف کسی باشد (صحیح است) این است که بنظر بنده اینطور هم که گذارده شد منطبق هم دارد و منطقی را هم بنده مکرر عرض کردم همین امروز هم عرض کردم و آن این بود که كمك و ارفاقی بشود نسبت باشخاص که نسبتاً بنیه مالیشان ضعیف است و نسبت به خرده مالک و الایك کسی را که خودتان میفرمائید که ممکن است ملكی را پانزده هزار تومان

عایدی ملك در پیشنهادات بنده بود ولی متأسفانه آقای وزیر موافقت نکردند حالا یا پنجاه هزار تومان باشد یا سه هزار تومان بنده عرضی ندارم ولی يك ظلم فاحشی نسبت باشخاص شده است که املاك آنها را با آنکه همان فلسفه ای که میفرمایند فقط بعنوان عنف برده اند و هیچ پول هم بهشان نداده اند فقیر هم هستند بی چیز هم هستند و کسی هم آنها اعتنا نکرده و بچه ها بهشان هم در نوبی کوچک ها با برهنه راه میروند و همین فلسفه ای که برای سه هزار تومان در نظر میگیریم در مورد آن اشخاص هم بشود اكمل صدق میکنند فرق آنها با اشخاصی که سه هزار تومان با پنجاه هزار تومان گرفته اند چیست باز اینها يك پولی گرفته اند ولی اشخاصی هستند که ملكشانرا برده اند بدون اینکه چیزی باو داده باشند و آنوقت ائاث الملك هم داشته يك مطالباتی هم از رعیت داشته همه آنها را هم از او گرفته اند و حالا که میخواهند ملكش را بدهند میگویند هیچ بهت نمیدهم واقعا این يك چیز نامشروعی است. در نظر گرفتن سه هزار تومان بیشتر از نظر همان خرده مالکینی است که این حال را دارند و بنابراین بنده تقاضا میکنم که آقای وزیر دادگستری هم مساعدت بفرمایند که برای اشخاصی هم که پولی نگرفته اند يك حقی منظور شده باشد. اگر چه این مذاکره سابقه دارد هم در کمیسیون هم در مجلس مذاکره شد مانع ایشان این است که میفرمایند نمیشود اولاً منافع معین کرد و از طرف دیگر دولت قدرت بر دادن اینچنین پولها را ندارد اماموضوع اول که میفرمایند نمیشود منافع معین کرد بنده تقاضایم این است که روز اولی که این ملك را گرفته اند میفرمایند حالا این ملك آباد شده است و آنوقت نخر و به بوده است و يك منافع کمی داشته است و حالا يك منافع زیادی دارد چهطور میشود اینها را داد بنده عرض میکنم این ملكی را که گرفته اند آن روز دو تا بار برنج داشته است آن دو بار برنج را در این مدتی که دست دولت بوده است تا امروز حساب کنند و بهش بدهند پس بنابراین بنده پیشنهاد میکنم که برای آنها يك وجهی يك

بایدست هزار تومان بانی هزار تومان و بطور خلاصه بیش از سه هزار تومان فروخته باشد این شخص متمکن است و غیر از آن است که يك کسی ملكی را هزار تومان با پانصد تومان سه هزار ریال دو هزار ریال و اینطور ها معامله کرده باشد بنظر باینکه در این مدت ممکن است اینها از منافع ملكشان بی بهره مانده باشند گفته شد كمك بشود این نظر عملی شد که این طبقه افراد در نظر گرفته شود بنابراین بنظر بنده خیلی عادلانه است که نسبت باین طبقه این عمل بشود و نظر کمیسیون هم نسبت به عدم مشمول از سه هزار تومان بالاتر صحیح بوده است (طهرانچی - راجع به چند نفر چهطور؟) هر کسیکه تا سی هزار ریال معامله کرده باشد میشود پس داد میخواهد پنج نفر یا ده نفر یا پنجاه نفر باشند اما بکنفر اگر چندین معامله کرده باشد که مجموع آن از سی هزار ریال بیشتر باشد این يك شخص متمکنی است که دارای ده تا مائک بوده بر فرض هر کدام را سه هزار تومان فروخته باشد سی هزار تومان میشود این قبیل اشخاص در نظر نبود با آنها ارفاقی بشود نظر این بود که ارفاق نسبت باشخاصی بشود که غیر متمکن باشند و این منطقی بود و بنظر بنده این منطبق هم صحیح بود و راجع به جبق الجماله هم که فرمودند قرار شد که بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کنند و ما هم قبول میکنیم.

عایدی معین کنند مطابق سابقه آنروز که ملك را از ش گرفته اند و بدهند و این هم مقدارش انقدر زیاد نمیشود که دولت نتواند بدهد و هم نسبت با آنها هم يك ارفاقی شده است این است عرایض بنده در این ماده.

نایب رئیس - آقای طباطبائی موافقت؟
طباطبائی - عرض کنم در ورقه ای که راجع باین لایحه تنظیم شده اگر ملاحظه بفرمائید من اجازه ام مقدم است نسبت بسایرین آنوقت که بنده اجازه خواستم برای این نبود که به آقای اعتماد جوابی عرض کنم که فرمودند مخالف هستند بعد از موافق برای این بود که خواستم عرض کنم که اجازه بنده مقدمه است بر کسانی که امروز اجازه گرفته اند بنابراین اگر حالا اجازه میفرمائید بنده در بعضی قسمتها در این ماده مخالف هستم عرایضم را عرض کنم.

نایب رئیس - اگر مخالف هستید که باید باشد بعد از يك موافق.

طباطبائی - پس اجازه بنده محفوظ بماند.

نایب رئیس - در این ورقه ای که اینجا هست اسم سر کار نیست. آقای محیط موافقت یا مخالف؟

محیط - بنده موافقم ولی عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای دشتی.

دشتی - مخالفم.

نایب رئیس - آقای منشور.

منشور - عرایض بنده خیلی مختصر است در هر صورت بنده با این قانون موافقم فقط در قسمت (ب) که توضیحات داده شد آقایان دیگر نظر بات بنده را فرمودند و يك قسمتهائی را هم خود بنده خواستم يك اندازه عرض کنم و آن این بود که راجع به سه هزار تومان فرض این بود که يك اشخاصی بعد از آنکه ملك را از آنها خریده اند متضرر شده اند و این سه هزار تومان را که در نظر گرفته اند اگر به صورت عوائد املاك ملاحظه بفرمائید معلوم میشود این مبلغ بالذات آن عوائد املاك که برده اند نیست و در واقع همین مبلغی که داده شده است بصاحبان املاك در مقابل همین

عوائد بوده است. بنده هم با آقایان موافقت کردم وقتی که این پیشنهاد را دادند که پنجهزار تومان باشد و در کمیسیون موافقت نشد. يك قسمتی را آقای اعتبار فرمودند که خوب است این سه هزار تومان را بندهم و عین مبلغی که داده شده باقسط بگیریم حالا ده سال یا پنجسال و وزارت مالیه این کار را بکنند ولی بنده خواستم عرض کنم که لازم نیست وزارت دارایی را دخالت بدهیم خوب است اجازه بدهیم به بانک رهنی که میتواند در ظرف ده سال یا کمتر یا بیشتر يك كمك مالی بکند و این پول را بدهد و بعد پس بگیرد اگر چه آقایان نظرشان این است که از محل عایدی این املاک اشخاصی پولهایی گرفته اند پس بدهند و قسمت های دیگر ولی بنظر بنده چون کاملاً صحبت کرده اند و مطالب گفته شده است موضوعی باقی نمی ماند که صحبت بشود لذا بنده عراضم را تمام میکنم و دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای طباطبائی بصورت مراجعه شد اسم آقا نبود ولی فعلاً نوبت شما است بفرمائید.

طباطبائی - عرض کنم که بنده نوشته بودم امیدانم چه شده (نبیل سمعی - اینجا نبود) عرض کنم مطالب بعد کفایت بنظر بنده گفته شده و حالا بنده همانطوری که فرمودند از تکرار گفته ها خود داری میکنم. در قسمت الف ملاحظه میفرمائید در آن سطر اول صریحاً کلمه غصب هست اگر فرض کنید که يك ملكی را غصب کرده اند واقعاً با همین طرزى که اینجا نوشته میشود این را اگر بخواهیم که حکم کنیم به رد قیمت ملك (که تصریح شده است وسط پراکنز) مطابق وضعیت روز تصرف بنده تعجب میکنم اگر ملكی را غصب کرده اند و ما هم اعتراف میکنیم چنانکه غصب است حالا چطور میخواهیم مطابق قیمت ده سال پیش بدهیم؟ (وزیر داد گسترى - کى گفت مطابق قیمت ده سال پیش) اینطور است اینجا: (حکم به رد بهای کنونی ملك مطابق وضعیت روز تصرف) روز تصرف یعنی چه مینویسد تغییرات اساسی و مهم داده شده باشد بنده این را واقعاً نمیتوانم هنوز حالی شوم که در املاک مزروعی چطور تغییرات

کردند خود شاه نبوده و حتی بنده میتوانم اینجا عرض کنم که میرفتند بشاه سابق اصلاً در خیلی از موارد برای خود شیرینی و برای استفاده خودشان راهنمایی میکردند یک وقتی بنده اینجا عرض کردم يك جائی را میخواستند برای شاه بسازند صد هزار تومان خرج داشت میرفتند میگفتند قربان پنجهزار تومان بیشتر خرج ندارد يك ملكی را میخواستند بخرند پنجاه هزار تومان قیمت داشت این مأمورین میرفتند میگفتند قیمت این ملك بیش از پنجهزار تومان نیست و در اثر توجهت ملوکانه باین قیمت حاضر شده است بفرود شد شما يك مورد را پیدا کنید که خود شاه سابق رفته باشد و يك ملكی را گرفته باشد و برده باشد محضر تمام اینکارها را عقاب کردند يك مورد را شما پیدا کنید امان از دست این مأمورین حالا شما آمده اید بقیه شاه سابق را اینجا گرفته اید و استثنائی قائل شده اید که اگر این ملك را انتقال داده شاه سابق میکنیم باید برگردد ولی اگر انتقال نداده است که خوب برده و خورده و رفته است پس کارش. آقا اگر ملك غصبی است اگر باین مالک ظلم شده تعدی شده هر که هست و دست هر کس که هست باید گرفت و بدیش را در آورد حالا آن که گذاشت و رفت عمده مطلب اینست که ما يك آناری يك یادگاری از اینعمل و از این احقاق حق در مجلس باقی بگذاریم بنده به خود مالک زیاد اهمیت نمیدهم برای اینکه ظالم خودش ملكش يك چند سالی می آید و میرود و فراموش میشود ولی اثر بدی که میماند ظالم است و اثر صحیحی که از این مجلس سیزدهم ممکن است باقی بماند احقاق حق است بنده باین موضوع بیشتر از همه این موارد و همه این مطالبی که گفته شده است اهمیت میدهم شما کاری بکنید که ریشه ظلم را بکنید و این ممکن نیست مگر با رسیدگی و احقاق حق (صحیح است) و مجازات مأمورین شاه سابق را از اعلی تا ادنی هر کس در هر مقامی که هست اگر کشیدید بای میز محاکمه و حقیقت را کف دستش گذاشتید احقاق حق کرده اید و الا خیر.

وزیر داد گسترى - عرض کنم ما آشنا هستیم به طرز

بیان آقای طباطبائی و اعتراضات ایشان. فرمودند که خوب چرا تفاوت قیمت را مطابق با وضعیت آن روز میدهیم این را که در ماده نوشته شده است اعتراض فرمودند و تصور کردند برخلاف عدالت است و ضمناً تذکر دادند که وضعیت ملك مزروعی از نظر راه سازی چه تأثیر دارد و چه تغییرات اساسی داده شده است حالا بنده صرف نظر از این ها عرض میکنم چطور میشود که در يك ملكی تغییرات اساسی داده نشود حالا بنده عرض میکنم و ملاحظه میفرمائید که چطور تأثیر دارد اگر در يك ملكی زه کشی شود اگر در يك ملكی قنات احداث شود اگر در يك اراضی زراعتی که شالی کاری یا چیز دیگری بوده است (خیلی هم اتفاق افتاده) باغ چای احداث شود آیا این تغییرات مهم هست و تفاوت قیمت زیادی حاصل میکند یا خیر؟ باید قیمت ملك را مطابق وضعیت اولیه ملك در نظر گرفت و تصور میکنم بطوری که در ماده نوشته شده است خیلی عادلانه است که ما قیمت امروز ملك را مطابق وضعیت روز اولیه در نظر بگیریم که آن اراضی روز اول چطور بوده و الان هم ممکن است در مجاورش باشد آن وضع در نظر گرفته میشود اما قیمت آن اراضی اگر در آن روز پنج تومان بوده و حالا صد تومان یا صد تومان است قیمت امروز را در نظر میگیریم و این نزدیک تصور میکنم که خیلی عادلانه و صحیح باشد و تغییرات هم مؤثر است تغییرات اساسی هم ممکن است زیاد شده باشد اگر چه بنظر بنده کم و زیاد در مطالب تأثیر ندارد اصل منطقی است.

باید فهمید که اساس این میران در دست باشد اساس باید بدست داد تا قاضی بتواند مطالب را حل کند و بطور صحیحی مطالب را انجام دهد. راجع به موضوع تبصره دوم فرمودند که مأمورین انتقال گرفته و بعد بشاه سابق انتقال داده اند و شرح کشفی در این باب اعتراض فرمودند که همه هم البته فرمودند صحیح است ولی متأسفانه در مورد این قانون صدق نمیکند چرا؟ برای اینکه اینجا احقاق حق اشخاص مقصود است که املاک مردم که منتقل شده است بشاه سابق و بعد

منتقل شده است بدولت و هیئت رسیدگی باید باشخاص بدهد اصلاً موضوعاً خارج است یعنی اشتباه موضوعی است قرمایش آقا کاملاً صحیح است ولی خوبست مربوط بیک پیشنهادی باشد يك ابتکاری که آنرا البته باید قابل توجه قرار داد و مورد توجه قرار بگیرد و قانون خاصی برای ابتکار تصویب بشود که البته مؤثر بشود آنوقت این قانون هم البته یکی از آثار خوب مجلس شورای ملی است و آن قانون هم که بگذرد یکی از آثار خیرات (طباطبائی ... پیشنهاد شده است) خوب پیشنهاد که شده است بسیار خوب در جای خودش و الا در این قانون عملش بنظر بنده خیلی مشکل است .

نایب رئیس - آقای دشتی .

دشتی - بنده از آقای وزیر داد گستری خواهش میکنم توجه کاملی بفرمایند که مقصود ما واقعا سخنوری نیست نمیخواهم فصاحت بهم بفروشیم يك نظر خاصی داریم و قصدمان این است که قانون بشکل کامل صحیحی از مجلس شورای ملی بگذرد وقتی که این قانون مطرح بود از چند ماه باینطرف چندین دسته چندین مرتبه با من صحبت کردند بعضی ها گفتند که خوبست تا پنجهزار تومان بشود بعضی ها شش هزار تومان بنده همه آنها میگفتم که بنده با این سه هزار تومان هم که نوشته شده مخالفم چرا ؟ برای اینکه ما جهت ندارد این کار را بکنیم ! برای اینکه اساساً مجلس شورای ملی حق ندارد اینکار را بکند و یکی از کار های غلط کمیسیون بوده است که دولت دو هزار تومان پیشنهاد کرده است و آن را سه هزار تومان کرده است و هزار تومان اضافه کرده است و این در حقیقت اضافه خرج است برای اینکه املاک را ما باید کاری بکنیم که مردم پس بدهند و پولی را که مردم گرفته اند پس بدهند پس ما بچه حقین سه ساله سه هزار تومان پول عمومی مردم را بدهیم و علت عمده این طرز فکر که در مجلس شورای ملی پیدا شده که میگویند مردمان فقیر بیچاره ای هستند برای این است که غالباً در ایران دولت را يك موجودی ظالم و متعدی میدانند که جدا از ملت است و خیال میکنند که این پول را که دولت دارد گنجی پیدا

بدهند ده ساله پانزده ساله بیست ساله بگیرند ولی بجهانی دادن غلط است مال ما نیست که بدهیم مخصوصاً کمیسیون داد گستری که برداشتند دو هزار تومان را سه هزار تومان کردند این را دیگر برخلاف نظامنامه کرده اند . اما راجع به اجرت المثل اینجا آقای حمزه تاش آمدند و صحبت کردند راجع به بند الف راجع بآن سه هزار تومانی که بجهانی بآنها بدهند بعقیده بنده این پول را اگر از شصت و هشت میلیون تومان بدهند خوب است برای اینکه از باب این املاک آن پول عاید شده و دست ما است ولی اگر دولت از خودش بخواهد بدهد این مال مرده است مال مملکت است اگر از آن شصت و هشت میلیون تومان بدهند عیبی ندارد ولی متأسفانه کابینه آقای فروغی برای ما امیدی باقی نگذاشته است که آن شصت و هشت میلیون تومان جبران بکنند تعذبات و مظالمی که شاه سابق کرده است بنابراین حالا که آن کار را نکرده است ما داعی نداریم و بنظر بنده چنین حقی نداریم که تا سه هزار تومان بجهانی بدهیم مثلاً سه هزار و دویست تومان چه گناهی کرده است که آن را بدهیم آن اضافه چه گناهی کرده است ؟ اغلب اینها خرده مالک هستند صدی شصت صدی پنجاه آن را باید بلاعوض داد چرا ما این کار را نمیکنیم شما این را بهشان بدهید پولی که داده شده پس بگیرند ده ساله پانزده ساله و الا نتیجه این میشود که از جیب مردم این مملکت این پول را میدهیم و بی خود این کار را میکنیم بنابراین بنده عقیده ام این است که سری که درد نمیکند دستمال بدهیم اساساً دولت کار غلط میکند که این پول را میدهد مردم و غلط تر این بود که در کمیسیون داد گستری این دو هزار تومان را کردند سه هزار تومان بهتر این است مگر این کار را نکنید ملکش را بدهیم پولش را هم از مردم بگیریم تنها اگر نمیتوانند در مدت پنجسال بدهند مدتش را زیاد کنید

وزیر داد گستری - بنده هم فرمایشات آقای دشتی را تصدیق میکنم و هم فرمایشات آقای بهبهانی را و اینچنین نظرهای مختلف و متضاد در این باب در مجلس هست و قوت هم دارد دولت در اینچنین موارد وظیفه اش چیست ؟ وظیفه اش

این است که حتی المقدور التیام بدهد و يك طوری بکند که هم نسبت به مردم رویه اعتدالی ایجاد شده باشد و هم عملاً این کار زودتر بگذرد البته در لایحه اول که ما آوردیم مبلغ بیست هزار ریال هم نمود ولی بنظر بجهانی که در مجلس شورای ملی شد و صحبت هائی که در خارج شد اظهاراتی در این باب شد که کاملاً منطبق آقای دشتی در این فید صحیح است که همیشه میخواهیم از فراق حساب دولت بکنیم و میگویند که این بیچاره است و باید باو کمک بشود از پول دولت این همیشه جزء عادات ما است و این نظر را همه جا اعمال میکنیم ولی خوب ما دندیم که باید این دخل نشتر بخورد و این عمل بشود و این کار خاتمه پیدا بکند وقتی که این پیشنهاد شد مطالعه شد با آقایان مذاکره کردیم دیدیم بهتر است راه حل قضیه باین صورت در آید چنانچه در کمیسیون هم مطالعه شد و با آن پیشنهادات مختلفی که زیاده از این میزان شده بود وجه جمعی که پیدا شد همین بود که بسورت این لایحه ای که به مجلس شورای ملی داده شده است در آمد که بیست هزار ریال بود و بعد سی هزار ریال شد در سورتیکه عده زیادی از آقایان پنجاه هزار ریال هم پیشنهاد کرده بودند که هنوز هم وجود خارجی دارد . خوب بعد از حرفهای زیادی که زده شد و استدلالهای زیادی که شد و جهات مختلفی که در نظر گرفته شد بالاخره توافق کردیم طرفین باینکه این مبلغ باشد بنده که قبول کردم بعد از مذاکره با دولت نه فقط از احاط این بود که خوب باید واقعا ارفاقی بشود نه برای قبول این منطبق بلکه منطبق دیگری هم داشت و آن این بود که اینها يك منافع هم داشتند چنانکه ملاحظه میفرمائید آقای دشتی فرمودند که باید ملکشان را داد و دیگران هم گفتند که مطابق قانون مدنی ملکشان را که میخواهند بدهند آقای بهبهانی پشت همین تریبون مکرر فرمودند که ملکشان را که میخواهند بدهند منافع هم منافع ملک است و باید بهشان داد و ما هم که برای پرداخت منافع دچار اشکالات زیادی میشدیم آمدیم همه مطالب را روی هم ریختیم و مطلب را باین صورت در آوردیم خوب مطالب سر منافع گذشته بود و این هم منطبق داشت بی منافع هم نبود از روی این منطبق بود که ما

موافقت کردیم و کمیسیون این مصلحت را رعایت کرد این بود که با توافق نظر دولت و کمیسیون این پیشنهاد به مجلس آمد و تصور میکنم که عیبی هم نداشته باشد اما البته اختیار همین هم با مجلس شورای ملی است اگر حالا اکثریت آقایان موافقت میکنند باینکه قیمت این املاک با قساطر چندین ساله گرفته شود و این سی هزار ریال هم داده شود بنده هم با کمال میل می پذیرم ولی اینکه ما موافقت کردیم برای این بود که هیچ منطقی در کار نبود این منطبق بجای خودش حکیمانه و صحیح است آن سی هزار ریالی که آقای راجع به بند الف تذکر دادند این راجع باملاک مقصوبه بود منافع املاک غصب شده است که هیچگونه عوض بآنها داده نشده خوب يك املاکی از يك اشخاصی گرفته شده و مدتی هم از دست آنها خارج بوده همین الآن آقای بهبهانی میفرمودند که اولادش چطور است و زایش چطور بوده چه وضعی گرفتار است و این ملک را که میخواهند بهش بدهند يك چیزی هم باو بدهند که بتواند اساس کار خودش را فراهم کند دولت هم نظر باینکه يك میزان معتدلی ارفاق بآنها بکنند این پیشنهاد را قبول کرد حالا هم موافقت دارد برای اینکه عرض میکنم اگر آلهائی که استحقاقی دارند بهشان کمک بشود مثل این است که در واقع بخود دولت کمک شده اینها سرچشمه عایدات مملکت هستند ما باید کاری بکنیم که افراد مملکت بنیه پرداخت پیدا کنند عایدات آنها که زیاد شد بنیه آنها که زیاد شد اسباب آبادی کشور و عمران خزانه مملکت میشود اما اینکه فرمودند سه هزار دو بیست تومان چه گناهی کرده است بنده عرض میکنم سه هزار تومان و پنج دینار را خوب بود میفرمودند خیلی روشن تر بود بلی این گناهی نکرده است بنده نمیگویم گناهی کرده است ولی وقتی که يك حد نصابی را در هر مورد بطور کلی قائل بشویم دیگر بالا و پائینش را نمیشود در نظر گرفت ما گفتیم تا این میزان میشود داد البته آن کسی که سه هزار تومان و ده ریالی است اگر آن هم بهش داده میشد خوب تر بود حالا ممکن است بین بالائیها اشخاصی هم باشند که استحقاقشان خیلی بیشتر باشد اما قاعده و اصل اقتضا دارد برای اینکه در اینچنین موارد يك حد نصاب

معینی باشد و در این قانون تنها نیست بلکه هزاران موارد دیگری از قوانین ما و قوانین دنیا وجود دارد پس بطوریکه ملاحظه میفرمائید دولت با نهایت دقت هم اظهارات و تذکرات آقایان نمایندگان محترم را در نظر گرفته و توجه کرده و هم اظهاراتی که در خارج بوده و راه عملی قضیه را خواسته است پیدا کند که این مطلب زود تر حل شود چیزی که بیش از همه دولت و مجلس را باید متوجه کند و کرده است این است که این غائله را خامه بدهند بطوری که زود تر تکلیف مردم معلوم شود و این اشخاصی که خودشان را دارای حقوقی در این املاک میدانند اگر حقی دارند بهشان داده شود اگر حقی هم ندارند بهشان گفته شود آقای تو حق نداری فلان آدم ذبح است این را باید توجه کنیم حالا از چه محل پول داده میشود و آیا این پیشنهاد خرج است یا چیز دیگری است اینها در واقع فرمالینه است و يك مطالبی است که در جای خودش از نظر فرم و کار صحیح است اما برای حل این مطلب که يك اهمیت خاصی دارد چندان نباید مورد ملاحظه باشد بنده تصور میکنم که اگر آقایان نمایندگان محترم توجه بفرمایند باینکه مطلب رویهمرفته بطور کلی عادلانه و با نظر اعتدال حل شود يك قدم بزرگی ما پیشرفت کرده ایم .

بعضی از نمایندگان - کافی است .

نایب رئیس - آقای اعتبار مخالفند با کفایت مذاکرات بفرمائید .

اعتبار - عرض کنم که همانطور که گفته شد ماده چهارده در واقع بنظر بنده مهم است یعنی قانون است و این ماده چهارده باین جهت خوبست مطالب گفته شود و هیچکس هم منظور و غرضی ندارد و هیچ منظوری نیست فقط منظور این است که این لایحه و قانون بصورت خوبی از مجلس بیرون برود از این جهت اجازه بدهند این مذاکرات در این ماده ادامه پیدا کند که راه حلی پیدا شود .

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات موافقین بزخیزند (عده ای برخاستند) تصویب نشد

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه نایب رئیس - مخالفی نیست . نقابت - بنده با ختم جلسه موافقم نایب رئیس - بفرمائید .

نقابت - ما جلسه ای يك ماده داریم میگذرانیم (همه هم نمایندگان) عرض کنم يك حسابی ما اینجا کردیم که چند نفر از رفقا تقاضی کردند که بنده این حساب را اینجا بکنم و لایحه حالا ناچار شدم مطابق این حسابی که ما کردیم هر یک ساعت وقت مجلس شورای ملی پنجاه و پنج هزار ریال قیمت دارد برای مملکت صورت ریزش هم هست (بعضی از نمایندگان) باید به کیفیت نگاه کرد . قانون قیمتش بیشتر است) با این صورت اگر بنا باشد در هر روزی ما يك ماده را مطرح کنیم که نمیشود تمام ادارات هم تا یک ساعت دو ساعت بعد از ظهر کار میکنند .

بعضی از نمایندگان - آقای مجلس شورای ملی اداره نیست نایب رئیس - رأی میگیریم بختم جلسه موافقین بزخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای وزیر پیشه و هنر لایحه ای دارند میخواهند بمجلس بدهند .

[۴ - تقدیم لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت]

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده وقت آقایان زیاد نمیخواستم بگیرم يك لایحه مختصری است در باب اصلاح مختصری که در قانون انحصار تجارت خارجی در نظر گرفته شده است بشود . البته خاطر آقایان مستحضر است که مدتی است دولت مشغول مطالعه است در باب اصلاحات یعنی تسهیلاتی که ممکن است بعمل بیاید در باب تجارت خارجی بعد از مطالعاتی که شده است در دو سه مطالب تصمیم گرفته شده است که لایحه آن تقدیم میشود . اصل موضوع عبارت از این است که برای وارد کردن اجناس آقایان تجار الزامی باینکه قبل از درخواست بدهند و بعد سفارش بدهند و جنس وارد کنند نباشد (صحیح است) و مطلب دیگر هم این است که در امر تصدیق صدور احتیاجی باینکه گفته شود حتماً تمام اجناس بيك هیچ ممکن است گواهینامه صدور بهشان داده شود یعنی

بتمام اجناس هم بيك هیچ وقتیکه میخواهد وارد شود از این بابت تصدیق صدور داده شود نباشد خلاصه امروز بایستی تعیین قیمت تصدیق صدور با دولت باشد البته دولت میتواند بالا ببرد یا پائین بیاورد مطابق وضع فعلی بتمام اجناس وارداتی گواهینامه صدور داده میشود که خریداری بشود یعنی از قرار تومانی يك ریال و تمام اجناس صادراتی هم از فرار صدی بازده بایستی تصدیق صدور بخورد و ضمناً در خواست بکنند از این جهت يك تعمیلی است در حدود صدی بازده نسبت بتمام واردات و در این مورد که تصور میشود احتیاج زیادی است واردات باید حتی المقدور تشویق بشود بلکه در بعضی موارد که ضرورت داشته باشد این تعمیل را بردارند یا کم بکنند و از طرف دیگر اجناس هم که در مملکت مورد احتیاج است و ضرورتی برای صدورش نیست شاید مورد پیش بنیاید که احتیاجی باینکه يك امتیازی بصادرات داده شود نباشد برای اینکه این عملیات قابل اجرا باشد يك طرحی تهیه شده و چون موضوع هم خیلی ساده است و مدتها است که مورد توجه آقایان بوده است و چنانچه هر چه طول بکشد البته بیشتر تضییقات باقی خواهد بود استدعا شده است باقید يك فوریت اجازه بفرمائید تصویب شود یعنی بکمر تبه به کمیسیون برود و شور بشود در مجلس و احتیاجی بدو دفعه نباشد .

(طرح قانونی پیشنهادی وزارت پیشه و هنر بر تریب زیر قرأ شد) مجلس شورای ملی از نظر فراهم ساختن تسهیلات بیشتری در امور بازرگانی و مخصوصاً آسان نمودن تشریفات ورود کالاهای خارجی که مورد احتیاج کشور میباشد مواد زیر پیشنهاد و تصویب آرا بقید يك فوریت تقاضی مینماید .

ماده ۱ - سفارش کالاهائی که ورود آنها بکشور طبق سهمیه واردات مجاز گردیده و همچنین ورود آنها بگمرک محتاج به تحصیل پروانه ورود یا موافقت نامه نخواهد بود لیکن در هر موقع بنا باشد آنها را از گمرک بداخله کشور وارد کنند بدون تسلیم پروانه ورود اجازه خروج در گمرک داده نخواهد شد .

ماده ۲ - نمایندگان وزارت بازرگانی در گمرکخانه‌ها و در نقاطی که وزارت بازرگانی نماینده ندارد رؤسای گمرکخانه‌هایی که بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و تصویب هیئت وزیران مجاز شده باشند میتوانند ترتیبی که به تصویب دولت رسیده باشد بدرخواست بازرگانان بر طبق شرایطی که بموجب مقررات قانونی برای صدور پروانه ورود مقرر است پروانه صادر نمایند.

ماده ۳ - تبصره زیر به بند (ج) از ماده سوم قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی مصوبه ۸ تیرماه ۱۳۲۰ اضافه میشود.
تبصره - دولت میتواند نرخ خرید گواهی نامه صدور را برای هر یک و یا هر طبقه از کالاهای صدوریه به تفاوت تعیین و یا گواهی نامه صدور بعضی یا تمام آنها را بطوریکه مقتضی بداند بدون بها اعلام و آنها را مشمول بند (ه) همان ماده قرار داده و در ردیف کالاهایی بشمار آورد که برای آنها گواهی نامه صدور داده نمیشود.

ماده ۴ - تبصره زیر به بند (د) از ماده سوم قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی اضافه میشود.

تبصره - دولت میتواند نرخ فروش گواهی نامه صدور در مورد هر یک و یا هر طبقه از کالاهای ورودی تفاوت تعیین و یا ورود بعضی یا تمام آنها را بطوری که مقتضی بداند از خرید گواهی نامه صدور معاف دارد.

نایب رئیس - نسبت به فوریت مخالفی نیست. آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - چون نسبت به ختم جلسه رأی گرفته شده طرح این لایحه مخالف قانون است.

نایب رئیس - ختم جلسه اعلام نشده است بعلاوه این اظهاری بود که آقای وزیر پیشه و هنر کردند مجلس موافقت کرد. رأی گرفته میشود به فوریت این لایحه موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

نایب رئیس - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده پسر داسه شنبه ساعت هشت و نیم صبح دستور لایحه املاک.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - بیات